

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Concept of "Value" & Its Assessment Principles
in Rural Fabrics
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مفهوم «ارزش» و مبانی سنجش آن در بافت‌های روستایی

رضا سامه^{۱*}، ملیحه باباخانی^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
۲. عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

بیان مسئله: سرزمین ایران دارای بافت‌های با ارزش روستایی فراوانی است. پرداختن به موضوع «ارزش» در خصوص بافت‌های روستایی امروزه بسیار دارای اهمیت است. تنوع این بافت‌ها و پراکندگی آنها بر مبنای تنوع زیستی، موقعیت طبیعی و خصوصیات فرهنگی، اذهان را بر آن داشته است تا با استمداد از آموزه‌های محیطی، نسبت به شناسایی ارزش‌های آنها همت بگمارند. با توجه به محدودیت‌های ناشی از کمبود اعتبارات و ضرورت ایجاد فرصت‌های برابر در خصوص بهسازی روستاها، متولیان ناگزیر از تدوین معیارها و شاخص‌های مناسب تعیین ارزش و ارزیابی نمونه‌ها بر مبنای آنها هستند تا به نمونه‌های مناسبی دست یابند که به صورت الگویی شایسته و فراگیر نسبت به هم‌تایان خود، مطرح باشند. اصلی‌ترین پرسش تحقیق، سؤال از چیستی مفهوم «ارزش» و تعبیر شایسته از انواع آن در مواجهه با موضوع بافت‌های با ارزش روستایی است و اینکه چگونه می‌توان به نظامی از ارزش‌ها و سازوکار ارزیابی آنها در بافت‌های روستایی دست یافت که هم زمینه حفاظت و هم زمینه توسعه فراهم آید؟

هدف پژوهش: هدف مقاله در مرتبه نخست دستیابی به نظام دسته‌بندی ارزش‌ها متناسب با زمینه بافت‌های روستایی و سپس بازبینی در معیارها و شاخص‌های ارزش مؤثر بر انتخاب آنها با ارائه تلقی تازه‌ای از مفهوم ارزش در رویکرد حفاظت مبتنی بر توسعه در امر بهسازی است که پژوهش حاضر به چگونگی سازوکار سنجش نمونه‌ها بر مبنای آن نیز پرداخته است.

روش پژوهش: پژوهش به لحاظ روش، به پشتوانه مطالعات کتابخانه‌ای از ابزار منطقی چون تحلیل مقایسه‌ای میان انواع ارزش‌های معرفی شده در ادبیات موضوع استفاده کرده و با استدلال چگونگی تعریف، توصیف و تقسیم ارزش‌ها را مورد واکاوی قرار داده است.

نتیجه‌گیری: در ترسیم سازوکار سنجش ارزش‌ها، گام نخست تعیین نمونه‌های واجد ارزش براساس شناسایی ارزش‌های ذاتی موجود در تک‌تک بافت‌های روستایی با هدف حفاظت بوده، آنگاه دستیابی به اولویت‌هایی است که با دخالت ارزش‌های منتسب مبتنی بر اهداف بهسازی به عنوان برنامه توسعه به دست خواهند آمد.

واژگان کلیدی: ارزش، ارزیابی، ارزشیابی، بافت روستایی، حفاظت، توسعه.

مقدمه

گذشته بیشتر به جنبه آگاهی، تمایز و درک شایسته آثار به جامانده در میراث فرهنگی یک سرزمین منوط بوده است. ارزش‌ها اغلب خود نه به عنوان موضوعی مستقل بلکه به مثابه ابزاری مناسب جهت سنجش وضعیت و

پرداختن به موضوع «ارزش»^۱ و تلقیات ویژه از آن، در

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۸۲۸۹۰۴@rsameh@arc.ikiu.ac.ir

نقطه نظری معیارهایی نهفته است که از سرزمینی به سرزمین دیگر و به تفسیر هر سرزمین از میراث فرهنگی تغییر می‌کند (Randall, 2012, 13 & Chan, 1988, 84) برای مثال براساس سند نارا، تمام قضاوت‌ها در مورد ارزش‌های نسبت داده شده به میراث فرهنگی و همچنین درستی منابع اطلاعات ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و حتی در درون یک فرهنگ متفاوت باشد (UNESCO, 1994). بنابراین با توجه به اعتباری بودن ارزش‌ها و تغییر آنها براساس تفاوت شرایط فرهنگی، رجوع به قابلیت‌های آثار توصیه شده است.

از این رو نمی‌توان قضاوت در مورد ارزش‌ها را براساس معیارهای ثابتی انجام داد؛ پس بسیار با اهمیت است که در درون هر فرهنگ، تشخیص براساس ماهیت خاص ارزش‌های میراث فرهنگی آن فرهنگ باشد (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲، ۱۵۴). در این میان، صاحب‌نظران در کشور ایران به‌واسطهٔ تحصیل در رشتهٔ حفاظت معماری، مقاصد اصلی فعالیت‌ها در حوزهٔ میراث فرهنگی را شناسایی، سیانت، حفاظت و معرفی عنوان کرده‌اند و متأثر از ادبیات اصلی، نخستین تقسیم از ارزش‌ها را نیز به عنوان تنها و کامل‌ترین لیست موجود، از فیلدن نام برده‌اند (حجت، ۱۳۸۰، ۹۵). اشارهٔ ایشان به مفهوم «قابلیت» آثار در بروز و ظهور ارزش‌ها و نیز ارائهٔ سیاست‌های متناسب با جهان‌بینی حاکم بر یک کشور اسلامی، از دستاوردهای واجد اهمیت در این راستا به شمار می‌رود.

اما در ادبیات دیگر مبتنی بر اقدامات با محوریت توسعه، بافت‌های با ارزش به مثابهٔ محدوده‌هایی یاد شده‌اند که ضمن وجود ارزش‌های میراث فرهنگی، مکان فرهنگی زندگی امروز آدمیان نیز به شمار می‌روند و علی‌رغم ضرورت باززنده‌سازی و احیای ارزش‌های تاریخی، نیازمند مناسب‌سازی متناسب با شرایط روز جهت امکان سکونت نیز هستند. از این منظر، سخن از ارزش به مثابهٔ امری جاری در مکانی مرجح در گستره‌ی رفتارها و پنداشت‌های جمعی همیشه در محدودهٔ زمانی-مکانی خاصی به میان می‌آید (فلامکی، ۱۳۹۳، ۳۲۵)؛ لذا ارزش‌ها تنها منسوب به واقعیاتی در گذشته نیستند که با پایان یافتن زمان تأثیرشان، می‌بایست حفاظت شوند. بر این اساس مبانی سنجش ارزشمندی، در سنت نهفته است که مطابق شرایط تحول می‌پذیرد و به بحران کشیده می‌شود، پس توسعهٔ شرایط متکی بر عوامل زمان و مکان به توسعهٔ فعالیت‌های انسان خواهد انجامید و ممکن است در نظام ارزش‌ها، پدیدهٔ «دگرارزشی» حاصل آید.

تحلیل آثار، همواره مورد توجه بوده‌اند. امروزه موضوع ارزش در سیاست‌گذاری‌های میراث فرهنگی هم به عنوان یک «شاخص^۲» تعیین‌کننده در ارزیابی قابلیت و نیز «معیار^۳» اولویت‌دهنده برای ارزشیابی توان، صلاحیت و برانندگی آثار جهت اتخاذ تصمیمات شایسته مطرح بوده و فراتر از قواعدی که پیش‌تر تمام آثار واجد مؤلفه‌های ارزشمندی را به منظور حفاظت در بر می‌گرفت، به نظامی از اولویت‌ها در راستای توسعه نیز وابسته است. بنابراین آزمونی لازم است تا ضمن برقراری نسبت صحیح مفاهیم ارزش در چالش میان دو رویکرد متفاوت در بافت‌های با ارزش، یعنی «حفاظت^۴» موزه‌ای و «توسعه^۵» شتابزده (حناچی، دیبا و مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۵۲)، نقش فعال‌تری برای شناسه‌های ارزشمندی در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های امروز قائل باشد و آنها را در جریان فرایند اقدامات، لحاظ گرداند. از آنجایی که دو هدف عمدهٔ حفاظت و توسعه در روستاها به مثابهٔ بخشی از میراث زنده فرهنگی همواره متصور بوده است (حناچی و کوشش‌گران، ۱۳۹۰، ۶۵)، پژوهش حاضر در زمینهٔ یکی از طرح‌های توسعه‌محور یعنی «طرح بهسازی بافت با ارزش روستایی» در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آثار چنین تلقیاتی از مفهوم «ارزش» در شیوهٔ برخورد با موضوع را تبیین و تجربیات موجود را به عرصهٔ نقد می‌کشد.

مفهوم «ارزش» در ادبیات میراث فرهنگی

اشاره به مفهوم ارزش و پرداختن به انواع آن از گذشته‌های دور، در فعالیت‌های ویوله‌لودوک و توصیه‌های «جان راسکین»، در ادبیات موضوع کاملاً مشهود است. صرف‌نظر از دیدگاه‌های شخصی برخی افراد که گاه به‌صورت افراطی به موضوع پرداخته‌اند، اغلب تلقیاتی موجود از آن، متوجه امر حفاظت بوده است. عمدهٔ تألیفات نیز مربوط به حفاظت‌گرانی چون «برنارد فیلدن» و «یوکیلتو» است که اقدامات و تصمیمات مبتنی بر ارزش آثار را «حفاظت» قلمداد کرده‌اند (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۹۵، ۱۳-۲۲). امروزه در حفاظت، بحث وجودداشتن یا نداشتن ارزش مطرح نیست؛ زیرا تقریباً همگان پذیرفته‌اند که آثار تاریخی واجد ارزش هستند و ضرورت بررسی ارزش‌های میراث فرهنگی از این باب نیست که نیازمند اثبات آنها هستیم؛ بلکه هدف، نحوهٔ تعریف و سنجش ارزش این آثار است (نژادابراهیمی، پورجعفر، انصاری و حناچی، ۱۳۹۲، ۸۰). وجود تفاوت در دیدگاه‌ها نسبت به موضوع ارزش بسته به تعاریف متفاوت از میراث فرهنگی نیز است؛ زیرا در پس هر

- اصلاح دیدگاه‌ها در خصوص امور منجر به مداخله در بافت‌های روستایی در طرح‌های کالبدی؛
- ایجاد زمینه مناسب جهت توسعه پایدار در روستاهای واجد بافت با ارزش (مظاهری، ۱۳۷۹).

مشاهده می‌شود دو اصل «حفاظت» و «توسعه» مبتنی بر ارزش‌ها در شاخصه‌های این برنامه مورد تأکید و بخاطر محدودیت، انتخاب نمونه‌های مناسب با قابلیت تحقق این دو اصل، همواره مورد توجه بوده است (حناچی و کوشش‌گران، ۱۳۹۰). از آنجا که طیف وسیعی از روستاهای کشور واجد بافت ارزشمند هستند، با تعریف طرح بهسازی بافت با ارزش روستایی به‌عنوان حلقه تکمیلی و اتصال سلسله‌برنامه‌ها و اقدامات عمران روستایی می‌توان حداقل موجبات حفاظت و توسعه برخی از آنها را فراهم آورد (اکرمی و سامه، ۱۳۸۷، ۱۳).

در این راستا طی دو دهه اخیر و در قالب چندین برنامه توسعه، تعدادی محدود اما قابل توجه روستا گزینش شده‌اند که یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این تجربه، عدم تناسب نمونه‌های منتخب با ظرفیت‌های لازم توسعه است؛ لذا انتخاب نمونه‌ها بیشتر با تکیه بر معیارهای عام ارزشمندی به نظر صحیح ولی در واقعیت با عدم بروز ارزش‌ها در مداخلات همراه بوده است. به عبارت دیگر، نمونه‌ها براساس معیارهایی از ارزش انتخاب می‌شدند که ماهیت حفاظتی داشتند و ملاحظات توسعه در آنها کمتر دیده می‌شود که در جریان بهسازی، تصمیمات با اغماض نسبت به برخی ارزش‌ها، صرفاً به امکان توسعه آن هم تنها به‌صورت کالبدی انجامیده است. با اینکه بهسازی شامل مداخلاتی در راستای حفاظت کلی از اثر تاریخی به منظور تداوم حیات آن است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۹۶)، نتیجه نیز در برخی موارد توسعه پایدار روستایی را در بر ندارد و اصل حفاظت از ارزش‌ها به درستی مورد پیگیری قرار نگرفته است.

بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که اقدام به بهسازی در بافت‌های با ارزش در قالب دو برنامه کوتاه مدت حفاظتی و بلندمدت توسعه قابل تعریف است؛ (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۲، ۶۸) بدین معنی که تجدید و احیای ارزش‌های گذشته، منوط به شناساندن آنها به همگان است و این در صورتی است که نخست زمینه‌های آن در دسترس همگان باشد. زمینه‌ها نیز در آثاری فراهم‌اند که ارزش‌ها را در خود به منصفه ظهور رسانده‌اند. به واقع احیای بافت‌های (با ارزش) قدیمی را نمی‌توان از توسعه‌های جدید تفکیک کرد. ارزش‌های فرهنگی معماری و شهرسازی در بافت‌های قدیم و قابلیت ترکیب و پیوستگی آن در توسعه‌های جدید، خود یک ارزش است و این موضوع

برد: یکی مبتنی بر اصل حفاظت محض و دیگری مبتنی بر امکان توسعه. اگرچه همواره چالشی در رویارویی با دو مقوله حفاظت و توسعه باقی بوده و هست، لیکن هر دو رویکرد عمده در تلاش برای تکامل دیدگاه‌های خود، روند جامع‌نگری به حفظ و توسعه ارزش‌ها در پیش رو گرفته‌اند (حناچی، ۱۳۸۵، ۹۱). در میان دو رویکرد مذکور، نگرش سومی نیز وجود دارد که حفاظت و توسعه را ملازم هم دانسته و مجموعه اقدامات هر یک از این دو رویکرد را در تعامل با یکدیگر، زمینه‌ساز تحقق رویکرد دیگر می‌داند. این نگرش با رد رویکردهای مبتنی بر توسعه یا حفاظت محض، «حفاظت مبتنی بر توسعه» را تنها گزینه قابل پیگیری در بافت‌های با ارزش تاریخی می‌انگارد (حناچی، دیبا و مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۵۸-۵۹) که این رویکرد با توجه به زمینه روستایی، در تدوین چارچوب نظری پژوهش حاضر مورد پیگیری قرار گرفته است.

چارچوب نظری رویکرد «حفاظت و توسعه»

مطابق با ادبیات موضوع، سه رویکرد متفاوت در نحوه نگرش نسبت به بافت‌های با ارزش به صورت «حفاظت محض»، «توسعه محض» و «حفاظت مبتنی بر توسعه» معرفی شد که رویکرد سوم نسبت به واقعیات ملموسی که در اغلب طرح‌های توسعه در حال جریان است، قابل پیگیری خواهد بود. بدیهی است چنانچه جامعه‌ای توسعه یابد، میراث آن نیز حفظ خواهد شد و جامعه‌ای که از میراث خود حفاظت کند، زمینه را برای تحقق توسعه فراهم آورده است (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۲، ۶۶). در این میان، فعالیت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی جهت عمران روستایی از جمله اقداماتی است که با محوریت سامان‌بخشیدن به سکونتگاه‌های روستایی، تلاش بر تحقق توسعه در این راستا به شمار می‌رود. طرح هادی، نخستین تجربیات این نهاد ارزشمند است که توسعه روستایی را در سرلوحه اقدامات خویش قرار داده است. در برخورد با زمینه‌های متفاوت به لحاظ وجود ارزش‌های طبیعی، انسانی و کالبدی در برخی روستاها، این طرح با تغییر در ساختار خود به «طرح بهسازی بافت با ارزش روستایی» تبدیل شده که عمده‌ترین شاخصه‌های آن در قالب اقدامات انجام شده عبارتند از:

- تعیین و تدوین ویژگی‌ها و شناسایی ارزش‌های موجود در بافت‌های روستایی؛
- بازشناسی و تدوین توانمندی و دانش پراکنده جهت حفاظت و احیای بافت‌های کالبدی با ارزش؛

زمینه (اثر) جهت اقدامات بهسازی، یک اصل به شمار می‌رود؛ لذا عمده‌ترین توجهات روش‌شناختی این مقاله به چگونگی تهیه و تدوین چک‌لیستی از ارزش‌ها جهت کاربرد و متناسب با سازوکار سنجش مبتنی بر آنها در زمینه خواهد بود (تصویر ۱).

پژوهش در ابتدا ماهیت نظری و موضوع‌محور دارد و به هیچ زمینه‌ی بخصوصی اشاره نمی‌کند؛ بنابراین در تشریح مبانی با استدلال قیاسی همراه است. لذا در وهله نخست با توجه به ادبیات پراکنده، به پشتوانه مطالعات کتابخانه‌ای از روش‌های منطقی چون تحلیل مقایسه‌ای و تطبیقی میان انواع ارزش‌های معرفی شده در ادبیات موضوع استفاده خواهد شد و سپس به تعریف، توصیف و تقسیم ارزش‌ها خواهد پرداخت. اما در ادامه با ورود به بحث زمینه، در یک فرآیند استقرایی به دنبال تدوین نظام طبقه‌بندی ارزش‌ها متناسب با زمینه بافت‌های روستایی است که به دسته‌بندی تازه‌ای خواهد انجامید.

مفهوم «ارزش» و تعابیر رایج از آن

حفظ میراث فرهنگی، مسئله‌ای فرهنگی است و به فهم درست ارزش‌های منابع آن وابسته است. ممکن است منابع میراث فرهنگی با ارزش‌های مختلفی پیوند داشته باشند که به درون‌مایه مضمون آنها بستگی دارد (فیلدن، و یوکیلتو، ۱۳۸۲، ۱۷). از بین آثار باقی‌مانده از گذشته معمولاً به آن چیزهایی توجه می‌شود که مهم تلقی شده‌اند. لذا برای تعیین آنکه چه چیز با اهمیت است، باید به ارزش‌ها مراجعه کنیم. این ارزش‌ها باید تحلیل و هماهنگ شوند تا با ارزش‌بودن اثر تاریخی تعیین شود (Feilden, 1995, 6) اما ارزش با عنوان انتساب اجتماعی کیفیت‌ها به موضوعات تعریف می‌شود؛ بنابراین ارزش‌ها وابسته به جامعه‌اند و برخی از آنها در طول زمان تغییر می‌کنند؛ لذا تعابیر گوناگونی از آنها وجود دارد. در واقع

محدود به بافت تاریخی نیست و امری است که به زمان محدود نمی‌شود و حرکتی جاری است که باید ادامه پیدا کند (حناچی، ۱۳۸۵، ۹۱). بنابراین حفاظت و نگهداری از این زمینه‌ها (آثار) شرط نخست و لازم در حفظ ارزش‌های هر جامعه‌ای است. اما تداوم چنین ارزش‌هایی با توسعه زمینه‌ها در آن جامعه نیز ملازم است.

پرسش‌های پژوهش

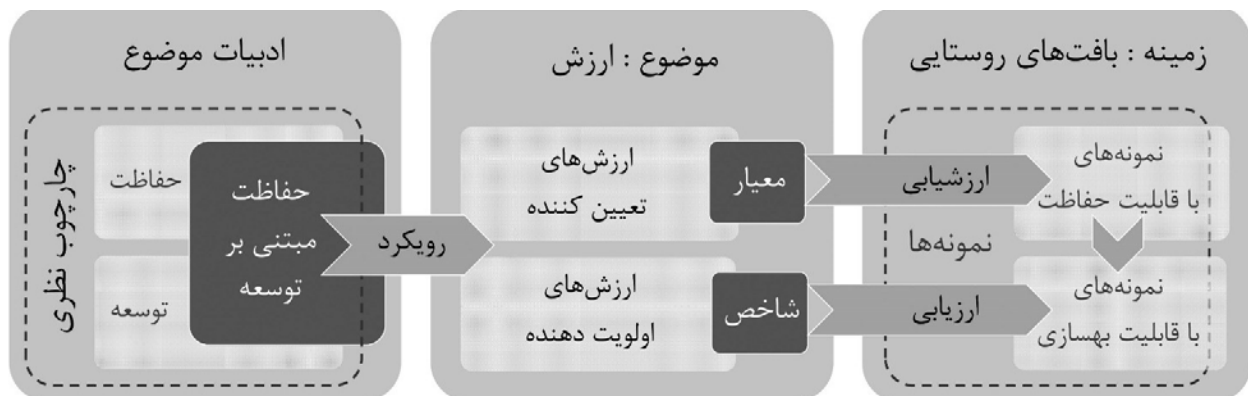
در پژوهش حاضر به جز سؤالاتی که عموماً به چستی و ماهیت ارزش‌ها و چگونگی دسته‌بندی آنها در زمینه آثار مربوط به میراث فرهنگی ممکن است قابل طرح باشند، عمده‌ترین پرسش‌ها به شرح زیر هستند:

– «ارزش» و تعبیر شایسته از انواع آن در مواجهه با موضوع بافت‌های با ارزش روستایی چیست؟
– چگونه می‌توان به نظامی از ارزش‌ها و سازوکار ارزیابی آنها در بافت‌های روستایی دست یافت که هم زمینه حفاظت و هم زمینه توسعه فراهم آید؟

با تکیه بر مواردی که پرسش‌های مذکور بدان‌ها توجه دارند و نظر به اهداف پژوهش که با تأکید بر نقش فعال شناسه‌های ارزشمندی آثار و تأثیرشان بر شیوه مواجهه با آنها است، مقاله درصدد خواهد بود با پاسخی درخور پرسش‌ها پیگیری و به مخاطبین معرفی کند.

روش تحقیق

از آنجایی که چارچوب نظری هر پژوهش به عنوان نظام فکری حاکم بر آن، فرضیات و رویکردهای مناسب را معرفی می‌نماید، روش‌های پیگیری موضوعات نیز وابسته به آن فرضیات و رویکردها است. رویکرد برگزیده شده در پژوهش حاضر برخاسته از ادبیات موضوع، «حفاظت مبتنی بر توسعه» بوده که در آن تأکید بر نقش ارزش به عنوان ابزار سنجش قابلیت‌ها و شایستگی‌های یک



تصویر ۱. مدل و ساختار پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

ارزش‌ها، شاخصه‌هایی هستند که جوامع در زمان‌های مختلف بر میراث فرهنگی می‌گذارند.

دهخدا «ارزش» را از مصدر ارزیدن و هم معنای قیمت و بها می‌داند و معادل قدر، شایستگی و قابلیت استحقاق معرفی می‌کند (دهخدا، ۱۳۸۱). ارزش، واژه‌ای پایه‌ای و نوعی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی پدیده‌ها است. ارزش‌ها مبنای ارزیابی انسان از پدیده‌های پیرامون او هستند که باعث تنظیم و شکل‌گیری رفتارها نسبت به آنها می‌شوند. از این رو مهم‌ترین منشأ شکل‌گیری ارزش‌ها، سه عامل «هنجار»، «نیاز» و «کمیابی» است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، ۶۱). به نظر می‌رسد در زبان فارسی علی‌رغم کاربرد واژه «ارزش» در گویش روزمره، به شکل مکتوب تعریفی ارائه نشده است. ضمن اینکه معنای عمومی آن در ارتباط با ارزیدن و قیمت‌داشتن کمی نارسا، سطحی و ناکافی است. اغلب تعابیر نیز ارزش‌ها را واقعیات مرجح می‌دانند (فلامکی، ۱۳۹۲، ۵۲۰). گرچه امروز ارزش میراث فرهنگی مورد قبول همگانی است، اما هنوز تعریفی جامع برای آن ارائه نشده است. دستیابی به یک تعریف از آن جهت اهمیت دارد که اولاً می‌تواند درکی مشترک از آن فراهم ساخته، ثانیاً پایه‌ای برای بحث در ارزش‌ها و فعالیت‌های مربوط به آنها باشد (حجت، ۱۳۸۰، ۱۰۸).

از سویی در تعریف ارزش‌هایی که وابسته به میراث فرهنگی هستند، عمومی‌ترین واژگان و اصطلاحات به کار رفته به چشم می‌خورد. «برنارد فیلدن» معتقد است در میراث فرهنگی، توجه خاص باید به مواردی معطوف شود که به عنوان اهمیت فرهنگی تلقی شده، در عین اینکه جنبه‌های اقتصادی نیز نباید نادیده گرفته شوند (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۶، ۱۷). لذا سیاست‌های حفاظت باید براساس فرایند مهمی پایه‌ریزی شود که با مطالعه، مستندسازی و تعیین منابع فرهنگی-طبیعی و ارزش‌های وابسته به آن آغاز می‌شود. این ارزش‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های اقتصادی-اجتماعی معاصر. در منابع دست اول ادبیات موضوع این دسته‌بندی از فیلدن و یوکیلتو همواره به عنوان بهترین گزینه مورد استناد بوده و در تمامی تقسیمات انجام‌شده توسط دیگران مؤثر بوده است. لذا گاهی قرائت‌های متفاوتی نیز از آن مشاهده می‌شود.

در یک رویکرد ارزش‌محور دیگر، طیف وسیعی از ارزش‌ها -به جز آنهایی که به ساختار کالبدی مرتبط هستند- هنوز به بازشناسی مجدد نیاز دارند. از نظر «آیلین اربلسی»، ارزش‌ها، کیفیت‌ها و شاخصه‌هایی هستند که کاربران و جوامع گوناگون در زمان‌های مختلف بر میراث فرهنگی می‌گذارند. اهمیت فرهنگی، به وجود آمده و حمایت شده

توسط طیف وسیعی از ارزش‌هاست که ممکن است برخی از آن‌ها در تعارض با برخی دیگر باشند. برخی از بناها، به عنوان یادمان‌هایی احداث شده‌اند که در همان راه ارزشمندیشان ادامه دارد. برخی دیگر ارزش و اهمیت مفروض خود را با گذشت زمان از دست داده‌اند و برخی نیز بر عللی دیگر بر پایه ویژگی‌های جامعه ارزش پیدا کرده‌اند. در این رویکرد، نقش حفاظت، نگهداری و ارتقای ارزش‌ها با هر ماهیتی است (Orbasli, 2008, 38). لذا حفاظت، بازشناسی انواع گوناگون ارزش‌ها و پاسخگویی به نیازمندی‌ها در مدیریت و اقدام (مداخله) مناسب را شامل می‌شود.

در این میان، «ریگل» در امتداد آرا و اندیشه‌های «راسکین» و «زیتنه»، در تعیین شاخص‌های ارزش‌مندی به‌ویژه در بافت‌ها بر مؤلفه‌های هنری، زیبایی‌شناختی و تاریخی تکیه کرده است (Reigl, 1982, 23) و «لیپ» بر لزوم جامع‌نگری و شمولیت این شاخص‌ها در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند (Lipe, 1984, 9-11). همچنین گروه مطالعاتی لونتال مطالعات گسترده‌ای درباره شاخص‌های ارزشمندی میراث انگلستان انجام داده‌اند که بیشتر بر کارآیی و نحوه استفاده از اثر در طول زمان متمرکز بوده است (Throsby, 1997).

فری در یک طرح ارزیابی، معیارهای تعیین ارزش را بیش از هر چیزی وابسته به زمینه‌های اقتصادی به‌ویژه گردشگری برمی‌شمارد (Frey, 1997, 14)، اما در پژوهش‌های دلتور، شاخص‌های اقتصادی به سبب وابستگی به ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی تا میزان زیادی تعدیل شده و در اولویت قرار نمی‌گیرند (de la Torre, 2002, 9-12). «تیسدل» نیز در عین حال که می‌پذیرد حفاظت آثار تاریخی می‌تواند مبتنی بر ارزش‌های گوناگونی باشد، اغلب به زمینه خاص بنا و محیط آن توجه می‌کند (Tiesdell, 1996, 10).

کمیته بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان در راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی ژانویه ۲۰۰۸، اثری را دارای ارزش برجسته جهانی می‌داند که حداقل یکی از معیارهای ارزیابی ارزش (جدول ۱) در مورد آن صادق باشد.

در میان صاحب‌نظران ایرانی، از نظر حجت اساساً علمی که ما به جهان از خود پیدا می‌کنیم و زمینه‌ساز تصور قابلیت یا ارزش در چیزی می‌شود، از سه طریق حاصل می‌شود. علوم دقیقه، علوم انسانی و دریافت‌های هنری. لذا ارزش‌ها را می‌توان در سه قالب کلی ارزش‌های علمی، ارزش‌های تاریخی و ارزش‌های هنری یا احساسی دسته‌بندی کرد (حجت، ۱۳۸۰، ۹۸ و ۹۹) که رابطه مستقیمی بین این گروه ارزش‌ها و سه معیار اصلی در تعریف میراث فرهنگی وجود دارد: ارزش‌های علمی با شیئیت، ارزش‌های تاریخی با

جدول ۱. ارزش‌ها به روایت کمیته بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان. مأخذ: راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی ژانویه ۲۰۰۸.

منبع	معیارها و شاخص‌ها
	(الف) نشانه شاهکار نبوغ خلاقانه بشر باشد.
	(ب) اثر شاهد تبادل ارزش‌های انسانی طی یک دوره خاص یا در یک محدوده فرهنگی جهان باشد که باعث پیشرفتی در زمینه‌های معماری یا فنی، آثار بزرگ هنری، شهرسازی و یا طراحی منظر شده باشد.
	(پ) نمونه و گواه منحصر به فرد و یا حداقل استثنایی از یک سنت فرهنگی یا تمدنی زنده و یا نابود شده باشد.
	(ت) نمونه‌ای بارز از گونه‌ای از بنا یا مجموعه‌ای فنی یا معماری و یا منظر باشد که نماینده مرحله یا مراحل مهمی از تاریخ بشرند.
	(ث) نمونه‌ای بارز از سنت سکونت بشر و یا کاربری اراضی و دریایی باشد که نماینده یک یا چند فرهنگ و یا تعامل انسان و محیط و بالاخص هنگامی که محیط تحت تاثیر شدید تغییرات جبران‌ناپذیر آسیب‌پذیر شده باشد.
	(ج) به صورت مستقیم و یا ملموس با رویدادها و یا سنت‌های زیست، عقاید، باورها و یا آثار هنری و ادبی با اهمیت و برجسته جهانی مرتبط باشد؛ (از نظر کمیته این معیار باید ترجیحاً همراه با سایر معیارها مورد استفاده قرار گیرد).
	(چ) شامل پدیده‌های شگرف طبیعی یا مناطقی با طبیعت زیبای استثنایی و اهمیت زیباشناختی باشد.
	(ح) نمونه‌ای بارز از مراحل مهم تاریخ کره زمین شامل آثار حیات، فرایندهای چشمگیر در جریان زمین‌شناسی باشد.
	(خ) نمونه‌ای برجسته از فرایندهای در جریان زیست‌بومی یا زیست‌طبیعی باشد که به تکامل و شکل‌گیری زیست‌بوم‌های زمینی می‌انجامند.
	(د) شامل برجسته‌ترین زیستگاه‌های طبیعی برای حفاظت از تنوع زیستی و شامل گونه‌های در خطر و واجد ارزش از لحاظ علمی باشد.

کمیته بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بسیاری از مؤلفه‌های معرفی‌شده به عنوان شاخصه‌های شناسایی ارزش، به صورت پراکنده و بدون دسته‌بندی مناسب ارائه شده‌اند. اغلب این مؤلفه‌ها نیز توصیفی بوده و در آنها سعی بر این است تا ابعاد گوناگون ارزشمندی آثار را در چک‌لیستی از ارزش‌ها و در سلسله‌مراتبی از معیارها و شاخص‌های متناسب به هریک از آنها تبیین سازند (پورجوهری، ۱۳۹۸، ۳۱-۹) جابه‌جایی بعضی از عناوین این مؤلفه‌ها در مقام معیار یا شاخص (که ابزار سنجش‌اند و نه توصیف) و یا مورد غفلت واقع شدن گروهی از آنها در تعدادی از دسته‌ها، از مشخصه‌های نظام اغلب تقسیم‌بندی‌های گذشته هستند. همچنین اهمیت این تقسیم در تلاشی است که برای نخستین بار در جهت فراهم کردن لیست جامعی از ارزش‌ها و جایگاه‌شان نسبت به یکدیگر به‌عمل آمده است.

برخی از این ارزش‌ها و فراوانی آنها در تطبیق با منابع عمده در قالب دسته‌بندی‌های انجام شده در ادبیات موضوع مطابق در **جدول ۲** آمده است. چنانچه از **جدول ۲** برمی‌آید، میزان فراوانی ارزش، عمدتاً مربوط به ارزش‌های «تاریخی» و «کاربردی» و از آن بین علی‌رغم ارزش هنری قابل توجه، بیشتر متوجه ارزش «هویت تاریخی و اقتصادی» است. این موضوع بیانگر اهمیت توأمان ارزش‌های مدنظر دستداران

قدمت و ارزش‌های عاطفی با پیام انسانی قابل مقایسه هستند. رحیم‌زاده متأثر از این دیدگاه در گزارش ثبت میراث فرهنگی غیرمنقول در ایران: از ماهیت تا تحقق، شاخص‌های کمی و کیفی را از هم تفکیک کرده و با جزئیات شرح داده است (رحیم‌زاده، ۱۳۸۸). از سویی «صفا منش» معیارهای ارزش‌گذاری را به مفهوم عام در جهان‌بینی ایرانی از دوران کهن تا معاصر بررسی کرده و سیر تحولات و تغییرات آن را ارائه کرده است. وی ارزش استفاده‌ای، مبادله‌ای و اعتقادی را سه معیار اساسی در طول تاریخ معرفی کرده که بر نظام ارزش‌گذاری عناصر میراثی بسیار مؤثر بوده‌اند (صفا منش، ۱۳۷۶، ۱۴۱). مهدوی‌نژاد (۱۳۸۶) و جلالی و سرایی (۱۳۸۶)، نگاه به موضوع ارزش را مبتنی بر همان نگاه ویژه‌فیلدن با اندکی پرورش شاخص‌ها معرفی می‌نمایند که اهمیت آن در تلاشی است که برای نخستین بار در جهت فراهم کردن لیست جامعی از ارزش‌ها و جایگاه‌شان نسبت به یکدیگر به‌عمل آمده است. در نهایت شمعی و پوراحمد با ذکر اهمیت شناخت ارزش‌ها و حفاظت از این سرمایه‌های ملی و فرهنگی، دسته‌بندی متفاوتی از معیارها و شاخص‌های ارزش ارائه کرده‌اند که بیشتر در فرایند نوسازی و بهسازی بافت‌های تاریخی می‌توان به آنها توجه کرد (شمعی و پوراحمد، ۱۳۹۲).

جدول ۲. تطبیق و فراوانی معیارها و شاخص‌های ارزش در ادبیات میراث فرهنگی. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	معیار	شاخص	منابع											فراوانی						
			صاحب‌نظران جهانی					صاحب‌نظران ایرانی												
			پوکیانو	فیلدن	اریسلی	ریگل	لیپ	لونتال	فری	دلانتور	تیسدل	حجت	رحیم‌زاده	صفامنش	حنای	پورا احمد	شماعی	جزء	کل	
۱	ارزش اجتماعی	ارزش آیین‌های اجتماعی	*					*						*	*			۳		
		ارزش اعتبار اجتماعی					*		*	*					*	*			۶	
		ارزش پیام اجتماعی												*		*			۲	۱۵
		ارزش تعلق به اجتماع					*				*				*	*			۴	
۲	ارزش تاریخی	ارزش باستان‌شناختی		*								*					*		۳	
		ارزش قدمت و دیرینگی		*	*							*	*	*		*			۶	۱۹
		ارزش مفاهیم تاریخی												*	*	*			۱	
		ارزش هویت تاریخی		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		۹
۳	ارزش عاطفی احساسی	ارزش اعجاب									*							۳		
		ارزش هیجانی			*														۱	۱۶
		ارزش یادمانی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶	
		ارزش نمادین			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶	
۴	ارزش علمی	ارزش آموزشی		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۷	
		ارزش اسنادی										*							۲	۱۸
		ارزش پژوهشی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۴	
		ارزش فنی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۵	
۵	ارزش فرهنگی	ارزش اسطوره‌ای									*				*			۱		
		ارزش تداوم فرهنگی		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۴	۱۶
		ارزش دینی و اعتقادی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶	
		ارزش سنتی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۵	
۶	ارزش کاربردی	ارزش اقتصادی		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۹	
		ارزش سیاسی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۴	۲۶
		ارزش کاربری			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶	
		ارزش کارکردی			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۷	
۷	ارزش محیطی و منظرین	ارزش بوم‌شناختی		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶	
		ارزش تمایز محلی					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۲	۱۷
		ارزش طبیعی					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۶	
		ارزش شهری					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۳	
۸	ارزش هنری	ارزش زیباشناختی					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۸	
		ارزش معمارانه					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۸	
		ارزش ندرت			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۸	۲۹
		ارزش نمایندگی					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱	
		ارزش هماهنگی				*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۳		

به «ارزش‌های ذاتی» و «ارزش‌های منتسب» (یا عرضی) قابل تقسیم هستند. ارجاع ارزش‌های ذاتی به قابلیت نهفته در درون خود پدیده‌هاست و ارزش‌های منتسب مبتنی بر مقاصد شکل می‌گیرند که در رابطه با یک قابلیت تشخیص داده شده در محیط و نوع مواجهه با آن به صورت یک فرصت یا امکان انتظار می‌رود. بنابراین ارزش‌های ذاتی در بافت‌های روستایی مربوط به اصالت در منابع محیطی و کالبدی این بافت‌ها است که تبلور بسیاری از ارزش‌های دیگر است.

در یک جمع‌بندی، هر پدیده، ویژگی‌ها، ظرفیت و قابلیت‌هایی در خود دارد که زمینه‌ساز بروز ارزش‌های ذاتی در یک اثر بوده و «حفاظت» بر محوریت تعدد و تنوع آنها شکل می‌گیرد. این قابلیت‌ها اگر چنانچه مورد بازشناسی قرار گیرند، در قالب ارزش‌های منتسب، به عنوان امکان و فرصتی جهت «توسعه» به شمار می‌روند. برخی از ارزش‌های مفروض بر یک بافت روستایی و معیارها و شاخص‌های آن که به عنوان ملاک‌های گزینش روستاهای واجد بافت با ارزش در طرح‌های بهسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته‌اند که در **جدول ۳** به اشاره شده است.

مشاهده می‌شود بسیاری از ارزش‌ها از قابلیت ذاتی آثار منبعث نمی‌شوند؛ بلکه با توجه به شرایط خاص می‌توان آنها را برای پدیده‌ای قائل شد. مواردی از ارزش که به ارزش‌های اصلی دیگر متکی هستند، «ارزش عرضی» نامیده می‌شوند (**حجت، ۱۳۸۰، ۹۸**). همان‌طور که انتخاب هدف‌های خاص چگونگی مواجهه و میزان دخالت مستقیماً بستگی به ارزش‌هایی دارد که توسط جامعه برای آثار فرهنگی مشخص شده است (**Feilden, 1995**)، ممکن است ارزش‌ها وابسته به شرایط تحقق به نوع مواجهه با پدیده‌ها تعیین شوند که این ارزش‌ها انتسابی بوده و توسط بهره‌برداران به چیزها داده می‌شوند. برای دست‌یافتن به ارزش‌های ذاتی، یکی از راه‌حل‌ها بازگرداندن ارزش‌ها به خود آثار است و آن تلاش در جهت شناسایی توانایی خود پدیده‌ها برای میزان پذیرش ارزش‌هاست (**حجت، ۱۳۸۰، ۹۶**). همچنین هر امری در ارتباط با اهدافی معین می‌تواند واجد ارزش باشد، ولی نسبت به اهداف دیگر ممکن است بی‌ارزش تلقی شود. لذا هدف و یا اهداف ارزشمندی بافت‌های روستایی باید تدوین گردند. ارزش‌های مستتر در این مجموعه‌ها می‌توانند ویژگی‌هایی را به دست دهند که موجب برتری و تمایز برخی از بافت‌های روستایی می‌شوند. این امر از یک سو اولویت «حفاظت» روستاهای دارای بافت ارزشمند را مطرح می‌سازد و از سوی دیگر ضرورت‌های

میراث فرهنگی و نیز ارزش بهره‌وری و کارکردی آثار تاریخی است. لذا شایسته است در رویکردگزینه‌ی جهت پرداختن به آثار و محیط‌های تاریخی و باارزش، بهتر است به هر دو جنبه ذکر شده به‌طور متوازن توجه شود.

ارزش‌های محیط روستایی

ارزش‌های نهفته در یک محیط روستایی را می‌توان در مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن بازشناخت؛ این ارزش‌ها به شکل فعال در سرتاسر بافت محیط حضور داشته و بازشناسی آنها از این جهت اهمیت دارد که می‌توان بر مبنایشان، قابلیت‌های موجود در آن محیط را که بر شکل‌گیری زندگی انسان مؤثرند، درک کرد. در اینجا مفاهیمی وجود دارند که متأثر از ویژگی‌های محیطی، خود بر تلقی متفاوت از ارزش در محیط‌های کالبدی چون روستا مؤثرند که از مهم‌ترین آنها، مفهوم «قابلیت» است. بعضی از محیط‌های کالبدی برای تأمین برخی از فعالیت‌ها، قابلیت بیشتری دارند (**Gibson, 1977**)؛ قابلیت اثر در بیان میزان توانایی‌ها، خواست‌ها، و نیازهای انسان و به تعبیری، انتقال هر نوع پیام انسانی یکی از معیارهای اصلی اثر تاریخی است که از علل وجودی آن نشأت می‌گیرد. ارزش و قابلیت دو واژه‌ای هستند که در ادبیات تخصصی در کنار یکدیگر بکار گرفته می‌شوند. قابلیت به معنی تمام ظرفیت‌ها و توانایی‌های یک اثر می‌باشد که ممکن است بروز پیدا کرده و یا پنهان بماند (**حناچی و همکاران، ۱۳۸۶**). به عبارت دیگر، قابلیت بر مبنای جوهر ذاتی اثر تعریف می‌شود و هریک از ظرفیت‌ها اگر شرایط بروز بیابد، ارزش تلقی خواهد یافت. بروز یک ارزش به محیط دربرگیرنده اثر و شرایط نمود ظرفیت‌های آن وابسته است (**مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۸۲**). ارزش تنها به دست انسان‌ها تعیین و تشخیص می‌شود و تا لحظه‌ای که تشخیص داده نشده است، وجود خارجی ندارد. اهمیت در این است که اگر قضاوتی در خصوص چیزی صورت نگیرد، ارزش تعیین نمی‌شود و اگر چیزی به شکلی کامل شناخته نشود و یا به شکلی نادرست معرفی شود، قضاوت صحیحی را نمی‌توان در خصوص آن انجام داد (**فلامکی، ۱۳۹۲، ۵۲۱**).

از سویی ارزش به مثابه یک امر کلی، یا ذاتی است یعنی داخل در حقیقت اشیاء است و ماهیت چیزها بدان وابسته می‌باشد و یا عرضی است که در خارج حقیقت اشیاء بوده و ماهیت چیزها مستقل از آن است. (**خوانساری، ۱۴۰۰، ۱۰۷-۱۰۸**) به تعبیری دیگر، ارزش چیزها یا به واسطه موجودیت تحقق‌یافته در حقیقت خود آن اشیاء است و یا به مواردی است که اشیاء به آنها به واسطه ارزش‌های ذاتی منتسب می‌شوند. بنابراین ارزش‌ها در گام نخست

جدول ۳. ارزش‌ها مبتنی بر ضوابط شناخت و انتخاب بافت‌های با ارزش روستایی، مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.

معیارها	شاخص‌ها	معیارها	شاخص‌ها
ارزش کالبدی	ارزش عمر روستا	ارزش سازگاری با اقلیم	ارزش تکنیک ویژه در ساخت بنا
	ارزش شیوه‌های خاص زیست و تولید	ارزش فرهنگی و اجتماعی	ارزش ایمنی و بقای سازه
	ارزش آیین‌ها، آداب و رسوم ویژه	ارزش زادگاه، محل زندگی و یا مدفن اشخاص نام‌آور	ارزش استفاده از مصالح بومی به صورت خاص
	ارزش وجود مدیریت مردمی، نهاد اجتماعی و محلی فعال	ارزش عناصر، مکان‌ها یا مناظر طبیعی ویژه	ارزش سبک معماری همگن با محیط و بوم‌آورد
	ارزش نوع خاص بهره‌برداری از عناصر طبیعی	ارزش زیست‌محیطی	ارزش قدمت بافت
ارزش تاریخی	ارزش پرورش انواع خاص دام، گیاهان یا آبزیان	ارزش وجود ابنیه تاریخی	
	ارزش دارابودن قابلیت گردشگری	ارزش وقوع اتفاق مهم تاریخی	

الزامات مدیریتی با هدف فراهم‌آوردن ابزاری مشخص و کارآمد برای مقایسه نمونه‌ها با یکدیگر و نیز تهیه فهرستی منعطف از آثار و ... با استناد و اکتفای به مصادیقی از ارزش‌های نامحدود ممکن نیست. زیرا صرف ذکر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بدون ابتناء بر اصولی تعیین‌شده، نه یک سنجش همه‌جانبه و قانع‌کننده، که تنها بیان تصادفی برخی از ارزش‌های اثر و فراهم‌آوردن بستری مشترک برای مقایسه‌ی آثار با یکدیگر نیست (رحیم‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۴۱).

از سویی دیگر این ارزش‌ها محصول شرایط روز و متناسب با اقتضات زمانه‌اند و بنابراین همواره در حال تغییر و یا گسترش‌اند؛ بی‌تردید سرعت تحولات زندگی انسان معاصر، روند تغییر این ارزش‌ها را نیز سرعت می‌بخشد و بر محدودیت‌ناپذیری و نسبییت آنها می‌افزاید و در نهایت نظام ارزیابی مبتنی بر این ارزش‌ها را به نظامی متغیر و غیرقابل ارجاع مبدل می‌سازد. بنابراین با در نظر داشتن شرایط آینده و لزوم توجه به آن در یک برنامه‌ریزی بلندمدت و تأثیرگذار، احصاء صرف ارزش‌های روز، مبنایی نامطمئن و مقطعی خواهد بود که به موجب گذشت زمان، نظام سنجش ارزش‌ها را به راهکاری ناقص و ناکارآمد بدل خواهد کرد.

توجه به «توسعه» آنها را برمی‌شمارد (مظاهری، ۱۳۸۰، ۳۶-۳۷).

مبانی سنجش ارزش (ارزشیابی^۷ و ارزیابی^۸) در بافت‌های روستایی

بدیهی است ارزش‌های بسیاری در منابع میراث فرهنگی وجود دارند. آنهایی که مهم‌ترند، توجه مناسبی برای حفاظت هستند. یک منبع منحصر ممکن است ارزش‌های متفاوتی داشته باشد که تصمیم‌گیری مدیریتی را مشکل می‌سازند. داوری در مورد ارزش‌ها ممکن است در طول زمان تغییر یابد (فیلدن و یوکیلیتو، ۱۳۹۵، ۲۲). البته ضرورت بررسی ارزش‌های میراث فرهنگی از این باب نیست که نیازمند اثبات ارزشی برای آن هستیم. آنچه نیاز به بررسی دارد، ابهاماتی است که در نحوه سنجش این ارزش‌ها وجود دارد (حجت، ۱۳۸۰). لذا تمام آنچه ما در رابطه با بافت‌های روستایی انجام می‌دهیم، همه‌نه‌تنها به خاطر ارزش‌هایی است که دارا هستند، بلکه از طریق تعیین و به‌کارگیری این ارزش‌ها و اولویت‌هایی است که برای هر یک قائل می‌شویم.

بی‌تردید، سنجش نظام‌مند و جامع ارزش‌ها به منظور شناخت همه‌جانبه آثار و تعمق در آنها و به تبع آن درک

برای گزینش آثار از میان خیل پدیده‌های موجود، که تنها اصولی برای تشخیص و قضاوت هستند و ما را در احصاء یک پدیده به عنوان میراث فرهنگی یاری می‌رسانند. در واقع معیارها، شروط لازمی را بیان می‌دارند که وجه افتراق برخی را از سایر پدیده‌ها مشخص می‌کند و به آن ماهیتی ویژه می‌بخشد (رحیم‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۳۳). از آنجا که معیار در مقایسهٔ مصادیق جهت تعیین نمونه‌ها به کار می‌رود، لذا بهترین ابزار ارزشیابی به شمار می‌روند.

قابلیت‌های آثار تاریخی، نوعی ارزش ذاتی آنها هستند که باید فارغ از شرایط حاکم بر بهره‌برداری کننده، ابتدا به درک قابلیت‌ها یا امکانات ذاتی آنها همت گماشت. برای آنکه در هر جامعه این قابلیت‌ها به‌عنوان ارزش شناخته شود دو شرط لازم است؛ اولاً شناخت ارزش‌های ذاتی آثار تاریخی توسط آن جامعه و در ثانی وجود امکان لازم برای استخدام آن در جهت رفع نیازهای جامعه. بسیاری از مسائل مربوط به میراث فرهنگی از درک همین دو عنصر یعنی شناخت نیاز و درک میراث فرهنگی به‌عنوان عامل رفع این نیاز ناشی می‌شود (حجت، ۱۳۸۰). به جای سعی در شناسایی و توجه به ارزش‌هایی که توسط بهره‌برداران به چیزی داده می‌شود، تلاش بر شناسایی و توجه به قابلیت اشیاء که گویای توانایی خود شیء برای قبول ارزش‌هاست، وابستگی این خصوصیات را به شرایط بیرونی تقلیل داده و به خود آن منتقل می‌نماید.

• ارزش‌های منتسب و ارزیابی

ارزش‌های منتسب به مثابهٔ شاخص اولویت‌دهنده و ارزیابی آثار جهت توسعه (بهسازی) به شمار می‌روند. شاخص‌ها متره‌ای کمی و کیفی هستند که برای ارزیابی تغییرات و پیشرفت یک چیز در طول فرایند به کار می‌روند. یک شاخص در کلی‌ترین شکل خود یک نشان به‌عنوان یک کمیت و معرف اندازه‌ای است که برای یک فرد در شرایط و یا اندازه معینی، تعریف می‌شود (طیبیان، ۱۳۸۱، ۵۰). شاخص‌ها متغیرها هستند نه «ارزش‌ها»، چیزی که بعضی اوقات به آنها اطلاق می‌شود. یک متغیر، نمایش علمی از ویژگی و نشانهٔ کیفی یک سیستم است. این ویژگی برداشت یا تخیل ما از یک خصوصیت است که در یک روال خاصی اندازه‌گیری و یا مشاهده شده است (Gallopın, 1996, 102).

در یک مفهوم کلی، هر متغیر یک ویژگی را نشان می‌دهد که هدف واقعی نیست، بلکه یک تخیل یا یک امر انتزاعی از یک خصیصه است. اهمیت و معنای متغیر یا ارزش آن، از «تفسیری» که در پیرامون متغیر به عمل می‌آید حاصل می‌شود. ارزش‌ها در مقام شاخص، به تنظیم اولویت‌های کلی در تصمیم به مداخلات پیشنهادی کمک می‌کنند.

بنابراین به منظور ایجاد نظامی کارآمد برای ارزیابی، نباید به مجموعه‌ای ناقص از مصادیق قابل درک ارزش‌های آن در بطن زندگی کنونی متوسل شویم؛ بلکه باید به احصاء ارزش‌های بنیادینی بپردازیم که اگرچه به تناسب شرایط زمانه، به ناگزیر مصادیق متفاوتی می‌یابند، ولی به واسطهٔ ارتباط با قابلیت‌های ذاتی، مبنایی همیشگی و جامع را فراهم می‌آورند؛ چرا که ارزش‌های بنیادین اثر تاریخی، در حقیقت تجلیات قابلیت‌های ذاتی اثر هستند که به تناسب میزان تعمق، امکانات و خواست‌های انسان معاصر، به او رخ می‌نمایانند. بنابراین در جستجوی ارزش‌های ذاتی، به مثابهٔ زمینه‌های اصلی و همیشگی مجموعهٔ نامتناهی و بی‌ثباتی که به موجب رویکردهای متعدد انسان به اثر تاریخی و به تعبیری، در قالب مصادیق ارزش‌های ذاتی اثر مطرح می‌شوند، نیازمند واکاوی و تعمق در قابلیت‌های منتج از ماهیت و ذات آثار هستیم.

در فرض نخست چنین به نظر می‌رسد که اصول مبتنی بر حفاظت، بر مبنای ارزش‌های ذاتی و اقدامات در جهت توسعه، به ارزش‌های منتسب (عرضی) استوارند؛ چراکه آثار با ارزش (در اینجا بافت‌های روستایی) از آن حیث که واجد ارزش‌های ذاتی در خود هستند، حفاظت از آنها را ضروری می‌سازد و از آن رو که نیازمند توجه مبتنی بر اهداف توسعه می‌باشند، ارزش‌های دیگری را در این راستا بر اثر منتسب می‌گردانند. به عبارت دیگر، حفاظت اقدامی است که پس از احراز ارزش‌های ذاتی و ثابت در یک اثر ضرورت می‌یابد و حرکت در جهت توسعه، ارزش‌های دیگری را معرفی و برجسته می‌سازد که مبتنی بر اهداف توسعه بوده و ممکن است در رویکردها با اهداف دیگر تغییر یابند. در اینجا ضرورت رسیدگی به بافت‌های روستایی به دلیل داشتن ارزش‌های ذاتی در قالب طرح‌های بهسازی، نیازمند نگرشی از حفاظت است که مبتنی بر توسعه باشد. این نگرش با اهدافی که ترسیم می‌نماید، ضمن تأکید بر ارزش‌های ذاتی که تعیین‌کنندهٔ نمونه‌های مورد نظر جهت حفاظت‌اند، ارزش‌هایی را که اولویت‌بخش به اقدامات در جهت بهسازی یا توسعه هستند، به آنها منتسب می‌سازند.

• ارزش‌های ذاتی و ارزشیابی

ارزش‌های ذاتی به مثابهٔ معیار تعیین‌کنندهٔ نمونه‌ها و ارزشیابی آثار جهت حفاظت از اهمیت بسیاری برخوردارند. معیار، ابزاری است که تشخیص سره از ناسره را امکان‌پذیر می‌سازد و امکان قضاوت دربارهٔ درستی و نادرستی را فراهم می‌آورد. معیارها اگرچه محدودهٔ قطعی و دقیقی در اختیار نمی‌گذارند، ولی با روشن کردن شاخصه‌های اصلی یک پدیده، امکان ارائهٔ تعریفی درخور و توان قضاوت را فراهم می‌آورند. در واقع معیارهای شناسایی، نه‌تنها ابزاری

روستایی به‌طور ویژه مورد توجه قرار می‌دهد و شناسه‌های آن را در دو دسته کلی «ارزش‌های ذاتی» و «ارزش‌های منتسب» ارزیابی می‌کند. از نظر نویسندگان، توجه به تلقی ویژه از مفهوم «ارزش» در بافت‌های با ارزش روستایی، به عنوان شاخصی اولویت‌دهنده و نه صرفاً معیاری تعیین‌کننده، در انتخاب نمونه‌های مناسب با شایستگی و قابلیت‌های لازم جهت اقدامات متعامل حفاظت و توسعه بسیار مؤثر بوده و نتایج را کارسازتر از گذشته به همراه خواهد داشت.

رسیدگی به وضعیت نابسامان بافت‌های روستایی نه صرفاً با رویکرد حفاظت و مرمت، که با هدف توسعه و ارتقای سطح کیفی ساکنین همراه است. در این میان با توجه به رشد سریع و شتابزده برخی روستاها، بیم آن می‌رود که ارزش‌های نهفته در این بافت‌ها که سهم مهمی از ارزش‌های فرهنگی را به خود اختصاص داده‌اند، مورد بی‌توجهی واقع شوند. لذا توجه توأمان به این دو امر با رویکرد حفاظت مبتنی بر توسعه از این ارزش‌ها در تداوم حیات روستاها امری ضروری به نظر می‌رسد که منوط بر پایداری ذاتی مؤلفه‌های واجد ارزش و توجه ساکنین بر تعامل با آنها در جریان زندگی است.

در نگاهی گذرا، بداهت ارزشمندی برخی بافت‌های روستایی و امکان درک بلاواسطه بسیاری از ظرفیت‌های آن، ارزیابی آثار را امری سهل و مشخص جلوه می‌دهد، ولی درک ضرورت ارزیابی هدفمند، به منظور شناخت عمیق و قرائت حقیقت دلالت‌های انسانی نهفته در پس آنها و همچنین تدوین راهکارهای مدیریتی و تخصیص امکانات موجود برای صیانت شایسته آنها، پیچیدگی‌های این ارزیابی را آشکار می‌کند.

نظر به محدودیت ناشی از میزان حمایت نظام مدیریت از بافت‌های با ارزش روستایی در قالب برنامه‌های توسعه، اقدامات بهسازی ناگزیر محدود به تعدادی از نمونه‌ها در یک نظام اولویت‌بندی برمبنای ارزش خواهند شد. از سویی تهیه فهرستی که به‌طور جامع و فراگیر، مؤلفه‌های ارزشمندی را در تمامی این بافت‌ها فراهم کند، غیر ممکن و نادرست است؛ چرا که اولاً زمینه ظهور ارزش در هریک از آنها با یکدیگر تفاوت دارد و ثانیاً مقاصد توسعه در هر روستا در مقایسه با نمونه‌های دیگر متفاوت است. همچنین از آنجایی که میزان ارزشمندی روستاها نسبت به هم نیز در بروز قابلیت‌هایی است که در جریان توسعه از خود نشان می‌دهند، پیشنهاد نهایی بدین شرح است که در ترسیم سازوکار سنجش ارزش‌ها، گام نخست تعیین نمونه‌های واجد ارزش براساس شناسایی ارزش‌های ذاتی موجود در تک‌تک بافت‌های روستایی با هدف حفاظت

قضاوت خردمندانه براساس آمادگی وسیع فرهنگی و حساسیتی کامل است که توانایی ارزیابی صحیح ارزش را به ما می‌دهد (عمرانی‌پور، ۱۳۸۳، ۹۰). شاید مهم‌ترین عامل در مواجهه با آثار تاریخی نحوه تنظیم اولویت ارزش‌های موجود در آن است. اولویت‌ها ابتدا توسط «نیازها» تعیین می‌شوند سپس توسط باورها تعدیل می‌شوند و نهایتاً با توجه به «امکانات» تحقق می‌یابند (حجت، ۱۳۸۰).

آنچه عملاً اتفاق می‌افتد تنظیم اولویت‌ها برحسب نظر تأمین‌کننده اعتبار برنامه است. اولویت‌های کلی تعیین‌شده در سطح جامعه به صورت یک خط‌مشی کلی می‌تواند بسیار یاری‌رسان باشد. در جامعه‌ای که نیازها، باورها و امکانات در یک‌سو قرار می‌گیرند یا هم جهت هستند، شاهد حفظ و مرمت بناها با رعایت همه ارزش‌های آن هستیم و در جامعه‌ای که بین این عوامل هم‌جهتی وجود ندارد، با صرف هزینه‌های هنگفت، بنایی نو به‌جای بنای تاریخی تخریب‌شده می‌سازیم که هیچ‌یک از ارزش‌های بنای گذشته را نیز ندارد. توجه به این نکته ضروریست که قائل‌شدن اولویت برای دسته‌ای از ارزش‌ها به معنی بی‌اهمیت تلقی کردن سایر ارزش‌ها نیست؛ بلکه اولویت‌های عنوان‌شده براساس قابلیت‌های موجود در آثار از یک‌سو و نیازها، باورها و امکانات هر جامعه از سوی دیگر تنظیم می‌شوند.

نتیجه‌گیری

بافت‌های روستایی طیف وسیعی از ارزش‌ها را در بر دارند که در فهرست‌هایی مفصل و متنوع از آنها یاد شده است. بدیهی است غایت مدیریت یک اثر تاریخی نیز چیزی جز حفاظت از این ارزش‌ها نیست. در این راستا هر اقدام عملی، نیازمند شناسایی، ثبت، معرفی و ارزیابی ارزش‌های نهفته در آثار تاریخی و آن مستلزم دسته‌بندی مناسب مبتنی بر اصول منطقی تقسیم در چارچوبی سامان‌یافته است تا ضمن ارائه مدلی شایسته جهت بازشناسی این ارزش‌ها، ذهن را از داوری پراکنده در خصوص آنها یاری رساند.

به دنبال این هدف، پژوهش در پاسخ به پرسش‌های خود ابتدا به دنبال تعبیر شایسته از مفهوم ارزش و انواع آن در مواجهه با موضوع بافت‌های روستایی بوده است که تلاش کرده در قالب **جدول ۴**، طیفی از ارزش‌ها را در جمع‌بندی و تطبیق دیدگاه‌های مختلف بر پایه نتایج پیشینه تحقیق تدوین و ارائه کند.

در مقایسه با معیارها و شاخص‌های پراکنده درخصوص موضوع «ارزش» در ادبیات میراث فرهنگی (**جدول ۲**)، این جدول موضوع را در ارتباط مستقیم با بافت‌های

جدول ۴. معیارها و شاخص‌ها و شناسه‌های ارزشمندی در بافت‌های روستایی، مأخذ: نگارندگان.

ارزش‌ها	معیارها	شاخص‌ها	شناسه‌ها
ارزش‌های ذاتی (قابلیت‌های محیطی) - حفاظت	ارزش‌های مربوط به محیط طبیعی	ارزش بوم‌شناختی	سازگاری با اقلیم، همگن با محیط و بوم‌آورد
		ارزش تمایز محلی	نوع خاص بهره‌برداری از عناصر طبیعی
		ارزش محیط و منظر طبیعی	وجود عناصر، مکان‌ها یا مناظر طبیعی ویژه
		ارزش محیط و منظر روستایی	درجه هماهنگی با محیط طبیعی پیرامون
	ارزش اجتماعی	ارزش آیین‌های اجتماعی	آیین‌ها و مراسم ویژه اجتماعی
		ارزش اعتبار اجتماعی	معتبر بودن در حوزه نفوذ
		ارزش پیام اجتماعی	امکان انتقال ارزش‌ها به آیندگان
	ارزش فرهنگی	ارزش تعلق به اجتماع	وجود مدیریت مردمی و نهاد محلی فعال
		ارزش اسطوره‌های فرهنگی	داستان‌ها و اساطیر در ارتباط با روستا
		ارزش تداوم فرهنگی	تداوم مظاهر فرهنگی، زبان، اقوام و ...
ارزش‌ها در بافت‌های روستایی	ارزش تاریخی	ارزش دینی و اعتقادات مذهبی	فرقه‌ها و مراسم مذهبی خاص
		ارزش سنت‌های فرهنگی	آداب و رسوم و سنن ویژه فرهنگی
		ارزش باستان‌شناختی	محوطه‌های باستانی و گورستان‌های تاریخی
		ارزش قدمت و دیرینگی	قدمت بافت، وجود ابنیه تاریخی
	ارزش هنری	ارزش مفاہیم تاریخی	عمر روستا و توجه به آن در طول زمان
		ارزش هویت تاریخی	زادگاه یا مدفن اشخاص نام‌آور، وقایع تاریخی
		ارزش زیبایی و زیبائشناختی	وجود عناصر و تزئینات خاص
	ارزش عاطفی و احساسی	ارزش معمارانه	ارزش عناصر و جزئیات ویژه معماری
		ارزش ندرت و تکرارناپذیری	نمونه‌های ویژه از معماری روستایی
		ارزش نمایندگی	بهترین نمونه در شرایط محیطی مشابه
ارزش‌های مستنب (فرصت‌ها) - توسعه	ارزش علمی	ارزش هم‌هنگی و یکپارچگی	بافت یکپارچه و منسجم
		ارزش اعجاب	میزان شگفتی در تجربه نخست مواجهه
	ارزش کاربردی	ارزش هیجانی	تنوع و تأثیر بر تهییج بازدیدکنندگان
		ارزش خاطره‌ای و یادمانی	وجود عناصر خاطره‌انگیز در محیط
		ارزش نمادین	نماد فرهنگی در اذهان عمومی
	ارزش فنی	ارزش آموزشی	امکان مسافرت‌های آموزشی و دانشگاهی
		ارزش اسنادی	وجود اسناد معتبر علمی درباره روستا
ارزش اقتصادی	ارزش پژوهشی	قابلیت انجام پژوهش‌های علمی	
	ارزش فنی	ایمنی و بقای سازه در ابنیه، تکنیک ساخت	
	ارزش اقتصادی	آمادگی سرمایه‌گذاری گردشگری، صنایع‌دستی	
ارزش کاربردی	ارزش سیاسی	موقعیت استراتژیک در منطقه	
	ارزش کاربری	شهرت به قطب کاربری منطقه	
ارزش کارکردی و عملکردی		وجود عملکردهای زنده و پویا	

بوده، آنگاه دستیابی به اولویتهایی است که با دخالت ارزش‌های منتسب مبتنی بر اهداف بهسازی به عنوان برنامه توسعه به دست خواهند آمد.

پی‌نوشت‌ها

۱. value
۲. indicator
۳. criteria
۴. conservation
۵. development
۶. afford
۷. valuation
۸. evaluation

فهرست منابع

- اکرمی، غلامرضا و سامه، رضا. (۱۳۸۷). فراگیری، جامع‌نگری و چالش‌ها در طرح بهسازی بافت‌های با ارزش روستایی. آبادی، (۲۵)، ۱۷-۱۲.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۹۴). مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی حوزه عمران روستایی. تهران: پژوهشکده سوانح طبیعی.
- پورجوهری، امیر. (۱۳۹۸). تجارب و رویکردهای مرمت و احیاء روستاهای تاریخی در ایران و جهان. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حناچی، پیروز. (۱۳۸۵). مرمت شهری و معاصر سازی بافت‌های با ارزش تاریخی-فرهنگی. آبادی، (۱۷)، ۹۳-۹۰.
- حناچی، پیروز؛ دیبا، داراب و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۶). حفاظت و توسعه در ایران، تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت‌های با ارزش شهرهای تاریخی ایران. هنرهای زیبا، (۳۲)، ۵۱-۶۰.
- حناچی، پیروز و کوشش‌گران، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). حفاظت و توسعه در بافت‌های با ارزش روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- خوانساری، محمد. (۱۴۰۰). منطق صوری. تهران: انتشارات آگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیم‌زاده، محمدرضا. (۱۳۸۸). ثبت میراث فرهنگی غیرمنقول در ایران، از ماهیت تا تحقق. تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
- سرایی، سعید و سیما جلالی. (۱۳۸۶). طرح راهبردی بهسازی بافت با ارزش روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی معماری روستایی (به سوی سکونتگاه مطلوب). تهران: انتشارات شهیدی، با همکاری دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- شماعتی، علی و پوراحمد، احمد. (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: دانشگاه تهران.
- صفامنش، کامران. (۱۳۷۶). دیدگاه‌ها و معیارهای ارزش‌گذاری، نگهداری و استفاده از بناها و مجموعه‌های با ارزش قدیمی. طرح پژوهشی کاربردی. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت

مسکن و شهرسازی.

- صفامنش، کامران و منادی‌زاده، بهروز. (۱۳۸۲). مبانی ارزش‌گذاری بناها و مجموعه‌های قدیمی. هفت شهر، (۱۲ و ۱۳)، ۳۱-۴۵.
- طبیبیان، منوچهر. (۱۳۸۱). شاخص، معیاری آگاهنده برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری. صفه، (۳۴)، ۲۲-۳۲.
- عمرانی‌پور، علی. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر حفاظت معماری. آبادی، (۱۰)، ۸۸-۹۵.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۲). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۳). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا. (۱۳۸۲). ارزش‌گذاری به منظور حفاظت. هفت شهر، (۱۲ و ۱۳)، ۱۷-۲۵.
- فیلدن، برنارد و یوکیلیتو، یوکا. (۱۳۹۵). راهنمای مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی (ترجمه پیروز حناچی). تهران: دانشگاه تهران.
- مظاهری، محمدعلی. (۱۳۷۹). مبانی نظری بهسازی بافت‌های با ارزش روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- مظاهری، محمد علی. (۱۳۸۰). حفاظت و ساماندهی بافت‌های با ارزش روستایی (اهداف و ضرورت‌ها). مسکن و انقلاب، (۹۳)، ۷۲-۸۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۶). معماری نو در زمینه با ارزش. (رساله منتشر نشده دکتری معماری). تهران: پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- نژادابراهیمی، احد؛ پورجعفر محمدرضا؛ انصاری، مجتبی و حناچی پیروز. (۱۳۹۲). ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی. فصلنامه مرمت و معماری ایران، (۶)، ۸۹-۹۸.
- هاشم‌نژاد، هاشم. (۱۳۸۲). تبلور و صیانت فرهنگ معماری در گرو احیای بافت‌ها و ارزش‌های تاریخی. هفت شهر، (۱۲ و ۱۳)، ۶۵-۶۹.
- Chan, Y. L. (1988). *Towards a Legislaetive & Administrative Framework for Conservation in Singapoer*, (Unpublished Ph.D. Thesis in IOAAS), York.
- De La Torre, M. (2002). *Assesing the Values of Cultural Heritage*. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Feilden, B. M. (1995). Conservation of Cultural Heritage Relevant to South Asia, *South Asian Studies*, 9(2), 1-10.
- Gallopin, G.C. (1996). Environmental & Sustainability Indicators & the Concept of Situational Indicators. A System Approach, *Environmental Modelling & Assessment*, (1), 101-117.
- Gibson, J. (1977). *The Theory of Affordance, Perceiving, Acting & Knowing*. NewYork: Halsted.
- Lipe, W. (1984). *Value & Meaning in Cultural Resources Management in Approaches to the Archaeological Heritage*. NewYork: Cambridge University.
- Orbasli, A. (2008). *Architectural Conservation, Architectural Press*. United Kingdom: Blackwell Science Ltd Publishing.
- Randall, M. (2012). *Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices, Assessing the*

Values of Cultural Heritage, in M. de la Torre (ed.), Assessing the value of cultural heritage. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.

- Reigl, A. (1982). The Modern Cult of Monuments: Its Character & Its Origins. *Oppositions*, (25), 21-51.
- Throsby, D. (1997). *Cultural Capital & Sustainability Concepts in the Economics of Cultural Heritage*. Los Angeles:

The Getty Conservation Institute.

- Tiesdell, S. (1996). *Revitalising Historic Urban Quarters*. Oxford: Butterworths.
- UNESCO. (1994). *The NARA Document on Authenticity*. <http://whc.unesco.org/events/gt-zimbabwe/nara.htm> (1 of 4) 07/11/2007.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

سامه، رضا و باباخانی، ملیحه. (۱۴۰۱). مفهوم «ارزش» و مبانی سنجش آن در بافت‌های روستایی. *باغ نظر*، ۱۹ (۱۱۶)، ۷۱-۸۴.

DOI:10.22034/BAGH.2022.349467.5218

URL: http://www.bagh-sj.com/article_158987.html

